

WWW.30BOOK.COM

دکتر علی



کورٹ ونہ گات جونہر
ترجمہ: ع. ا. بہرامی



سلاخ خانہ دی
شمارہ کا پینچ

کورت ونه گات جو نوپورا از داستان نویسان نو آور امروزی آمریکاست. او در قالبهای داستان نویسی معاصر، ابتکارات و بدایع فراوانی خلق کرده و توانسته است واقعیت و خیال را طوری درهم آمیزد که برای خوانندگان زیادی، از جمله خلیل دانشجویان دانشگاهها، بسیار گیرا و دلپذیر باشد. ونه گات خود تقریباً همیشه از شخصیت‌های داستانهای خویش است، آمیزه‌ای از آدمی شاد و برون‌گرا و موجودی گوشه‌نشین و در خود فرو رفته که در خلال حوادث داستانها، خوشتن خویش را می‌کاود و در پی پالایش و والایش روان خود است و در چیزها به دیده شک می‌نگرد و هوسهای زودگذر دارد و با این همه از خود گریزان و روگردان است و وجود شخصی و خصوصی خویش را پشت نقاب شخصیت پردازی و طنز و سایر تکنیکها و شوگردهای داستان نویسی پنهان می‌کند. ونه گات در ۱۱ نوامبر ۱۹۲۲ در شهر ایندیاناپولیس در دوران بحران اقتصادی به دنیا آمده است، اما در آثار خود همواره از ایام کودکی شاد و پر نشاطش سخن می‌گوید، ایامی که برنامه‌های کم‌دی رادیو و سینما و به ویژه برنامه‌های کم‌دین هنرمند «جک بنی» و آن زوج معروف «لورل و هاردی» بر او تأثیری ماندگار به جای گذارد.

ونه گات نخستین تجربیات نویسندگی خود را با کار در نشریه دبیرستان آغاز کرد و در دانشگاه کُرنتل که در آن بیوشیمی می‌خواند ادامه داد. پلوش معمار بود و می‌خواست فرزندش نیز در یکی از رشته‌های علوم تحصیل کند.

در ماه مارس ۱۹۴۳ به خدمت نظام رفت و حدود یک سال بعد که با تمهیداتی مرخصی گرفت تا در «روز مادر» به دیدن مادرش رود، مادر شب قبلش بدرد حیات گفته بود و همین خود ضربه‌ای روحی بر او وارد کرد.

در ماه دسامبر سال ۱۹۴۴ در جبهه جنگ اسپر نازیها شد و در نبردی یروزمینی که محل نگاهداری لاشه‌های گوشت بود زندانی شد. در همان هنگام، منتقدین شهر

درسین را بمباران کردند و در این بمباران حدود ۱۳۴,۰۰۰ تن جان خود را از دست دادند. بعد از این حمله وحشتناک، زندانیانی را که جان سالم به در برده بودند، مأمور کردند تا اجساد کشته شدگان را از زیر آوارها بیرون بکشند. ونه گات جزئیات این واقعه را بعدها به نحوی زنده و مؤثر در همین «سلاخ خانه شماره پنج» توصیف کرده است.

بعد از جنگ در مؤسسه های مختلفی کار کرد اما بعد همه اوقات خود را وقف نوشتن کرد. بسیاری از داستانهای او، به دلیل دل بستگی اش به مسائل علمی، آمیزه ای از تجربیات روزمره و گزارشها و پیش بینی ها و آینده نگری های علمی است و از این رو، او را از نویسندگان برجسته داستانهای علمی - تخیلی نیز به شمار آورده اند.

جان مایه اصلی آثار ونه گات، به ویژه در داستانهای کوتاه اش، حمایت از ارزشهای سنتی طبقه متوسط است. به کارگیری شگردهای ذهنی و فانتزی و نوستالژیک و طنز اجتماعی نیز در واقع برای حقانیت بخشیدن به همین امر است. اما ارزش هنری و خلاقه ونه گات را باید بیشتر در رمانهایش جستجو کرد.

نخستین رمانش «نوازنده پیانو» به سال ۱۹۵۲ انتشار یافت و با استقبال فراوان مواجه شد. رمان دومش «آزیرهای هیولا» هفت سال بعد از چاپ درآمد. در این فاصله او سرگرم نوشتن داستانهای کوتاه برای مجله های معتبر و سرشناس بود. این داستانهای کوتاه بعدها به صورت مجموعه ای به نام «قناری در خانه گربه»^۳ و چند سال بعد با یک تغییر جزئی به نام «به خانه میمون خوش آمدید»^۴ نشر یافت.

رمان «شب مادر»^۵ در سال ۱۹۶۳ و رمان «پرچینک بازی»^۶ در سال ۱۹۶۳ منتشر شد. در رمان «پرچینک بازی» از مایه فانتزی استفاده بیشتری شده تا غریزه بشر نسبت به «بازی» که هم آفریننده است و هم ویرانگر تحلیل شود. یکی از مشخصه های کتاب در حال «بازی» است که به کشف اتم نایل می آید. ونه گات سپس به نوشتن مطالبی غیرداستانی پرداخت؛ نقد و معرفی کتاب و سفرنامه و مقاله های گوناگون که بعدها به صورت کتاب جداگانه ای به نام «ومبیترز، فوما و گرن فلونز»^۷ درآمد.

در سال ۱۹۶۹ کتاب «سلاخ خانه شماره پنج» را نوشت که چنانچه برانگیخت و منتقدان درباره آن اظهار نظرهای گوناگونی کردند. بعضی آن را سخت ستودند و گروهی

1. Player Piano

3. Canary in a Cat House

5. Mother Night

7. Wampeters, Foma and Granfaloon

2. The Sirens of Titan

4. Welcome to the Monkey House

6. Cat's Cradle

آن را نکرده‌اند. اما همه نسخه‌های کتاب به زودی به فروش رفت و فیلم بسیار موفق‌تری هم براساس آن ساخته شد که نام ونه‌گات را بیش از پیش بر سر زبانها انداخت. از آن پس، محافل هنری و دانشگاهها و مراکز آموزشی پی در پی برای ایراد سخنرانی از او دعوت به عمل آوردند و کار به جایی کشید که در دانشگاه هاروارد سرگرم تدریس رشته ادبیات داستانی شد و به دریافت جوایز گوناگونی از جمله جایزه ادبی انستیتوی ملی هنر و ادبیات نائل آمد.

در سال ۱۹۷۱ بر اساس یکی از کتابهایش به نام «میان زمان و تیمبوکتو»^۱ نمایشی تلویزیونی تهیه کردند که او را در جامعه آمریکا سرشناس‌تر کرد و سال بعد رمان «صبحانه قهرمانان» از او انتشار یافت. ونه‌گات اکنون دیگر به صراحت درباره سیاست و حوادث تاریخی و نابسامانیهای اجتماعی جامعه آمریکا صحبت می‌کند و از این رو، نسل جوان آن زمان سخت شیفته آثارش شدند. با این همه ناچار بود خشم مقامات حکومتی را از این‌گونه انتقادهای گذشته به‌نوعی برتابد.

آنچه تقریباً در همه آثار ونه‌گات به چشم می‌خورد وجود شخصی نویسنده و تجربه‌های عملی او در اکثر حوادث رمانهاست.

در کتاب سلاح‌خانه شماره پنج، بیشتر آنچه بر سر «بیلی پیل‌گریم» شخصیت اصلی رمان که اسیر و زندانی آلمانیهاست می‌آید، در واقع بر سر خود ونه‌گات هم آمده است.

سلاح‌خانه شماره پنج فصلهای کوتاهی دارد، پاراگرافها و جمله‌بندیهای جدا از هم که ترکیب آنها ساختمان بدیع و یک پارچه می‌آفریند و معنایی کلی را القا می‌کند. در این کتاب زمانها درهم آمیخته‌اند و پایان ماجرا را ما در اول رمان در می‌یابیم، اما در میان این دو نقطه، از جملگی رخدادهای زندگی قهرمانان آگاه می‌شویم. وقایع زندگی قهرمان اول، یک خطی و مستقیم نیست و همین به دور بودن از توالی زمانی، نمایانگر این واقعیت است که او فقط یک موجود شناخته شده و معمولی نیست که تحولات مختلفی را از سر می‌گذراند، بلکه معجونی از چیزهای گوناگون و زمانهای گوناگون است. جنگ و فجاج جنگ هم به صورت استعاره‌های مهمتری از سرگردانی و وحشت بشری ارائه می‌شود.

ونه‌گات در این کتاب، ماجرا را از زاویه دید چندگانه روایت می‌کند. قصه او تنها تأکید بر تجربه شخصی خویش به‌ویژه در بمباران شهر درسدن نیست. او می‌خواهد

معنای سمبولیک درسدن را به همه بشریت تعمیم دهد. از این رو، علاوه بر زاویه دید اول شخص (راوی - قهرمان اول) که یقیناً میدان دید و معنای رمان را به نوعی خاطره شخصی محدود می‌کند، از زاویه دید سوم شخص و راوی دانای کل نیز برای توصیف و تحلیل وقایع اجتماعی و وضع و موقعیت بشری سود می‌جوید. او درسدن را با وقایع مرگبار دیگری مثل سلوم و هیروشیما و حتی با مرگهای شخصی دیگر پیوند می‌زند و به آنها بعدی جهانی می‌بخشد. وقایع شخصی و زندگینامه‌ای و رویدادهای واقعی را با مسائل جهانی و اسطوره‌ای درهم می‌تند. همین نوع تکامل در شخصیت اصلی رمان «بیلی پیل‌گریم» هم آشکارا دیده می‌شود. در صحنه‌ای از کتاب «بیلی پیل‌گریم» روی صفحه تلویزیون، یک فیلم جنگی را تماشا می‌کند و از آنجا که قادر است به زمانهای گذشته و حال و آینده سفر کند، حوادث پیش و پس ایام جنگ را هم می‌بیند.

نویسنده و راوی و قهرمان داستان همه به هم پیوسته‌اند و وقایع تاریخی و تخیلی پیرامون شهر درسدن، آن‌ها را به هم گره می‌دهد. حلقه بسته‌اند تا پیام اجتماعی نویسنده را بهتر به خواننده القا کنند. چگونگی است که در زمانی با شالوده‌های تاریخی و هدفی جدی ناگهان ما با بشریهای پرنده و سفر در بی‌زمانی رو به رو می‌شویم؟ در واقع با تکنیک همین آمیزش مستند و فانتزی با واقعیت و تخیل است که ونه گات توانسته است ماهیت و طبیعت واقعیت را دریابد و شکل بدیعی در داستان نویسی پدید آورد که در آن واقعیت به صورت فانتزی غربی جلوه گر می‌شود و همین عناصر فانتزی است که رمان را طنزآمیز می‌کند و آن را در اوج هیجان و جدی بودن، پرکرشمه و طنز و خنده‌دار می‌سازد.

کورت ونه گات اکنون متجاوز از چهل سال است که به کار نوشتن اشتغال دارد و تاکنون چهارده رمان و چند مجموعه داستان کوتاه و نمایشنامه و فیلمنامه به چاپ رسانده است. او از میان تجربه‌های شخصی خود، نمادهایی خلق کرده است که با آنها، ویژگی نسل زمان ما را با تردستی و با صداقتی کم‌نظیر بیان می‌کند و با خواننده خویش پیوندی ناگسستنی برقرار می‌سازد. ونه گات را از لحاظ نحوه تخریب و لحن کلام و طنز گذشته، به مارک تواین زمان ما تشبیه کرده‌اند.

کورت ونه گات را می‌توان از نویسندگان خوش اقبال، در کشور ما به شمار آورد، زیرا بهترین اثرش برای نخستین بار به دست مترجمی خوش ذوق و با سلیقه و شیرین قلم به زبان فارسی برگردانده شده است و همین خود می‌تواند انگیزه شناسایی بیشتر او در آینده باشد.

گاوها ماق می کشند،
کودک بیدار می شود،
اما مسیح کوچک،
هرگز گریه نمی کند.

WWW.30BOOK.COM

سلاخ خانه شماره پنج

یا

جنگ صلیبی کودکان،

رقص اجباری با مرگ.

کورت ونه گات جونیر

آمریکایی است، چهارمین نسل یک مهاجر آلمانی

در کیپ کاد

خوش و خرم زندگی می کند.

[و یک عالمه سیگار می کشد]

در جنگ دوم جهانی

دیده بان پیاده نظام ارتش آمریکا بود،

و از صحنه نبرد خارج شد

و در بند اسارت، سالها قبل در آلمان،

شاهد بمباران درسدن با بمبهای آتشنا بود.

درسدن،

فلورانس رود ایست.

جان سالم به در برد تا داستان آن را بازگوید،

با یک سبک تلگرافی و شیزوفرینیک.

همان سبک داستانهای

سیاره ترالفامادور،

که بشقاب پرنده های آن

صلح

به ارمغان می آورند.

همه این داستان کمابیش اتفاق افتاده است. به هر حال، قسمتهایی که به جنگ مربوط می شود، تا حد زیادی راست است. یکی از بچه هایی که در درسدن^۱ می شناختم راستی راستی با گلوله کشته شد، آن هم به خاطر برداشتن قوری چای یک نفر دیگر. یکی دیگر از بچه ها، دشمنان شخصیش را جداً تهدید کرده که بعد از جنگ می دهد آدمکشهای حرفه ای، آنها را ترور کنند. البته من اسم همه آنها را عوض کرده ام.

من خودم، سال ۱۹۶۷ با پول بنیاد گوگنهایم^۲ که خدا عزتشان را زیاد کند، برگشتم به درسدن. درسدن خیلی شبیه یکی از شهرهای ایالت اوهایو به نام دیتون^۳ است، البته فضای آزاد آن بیشتر از دیتون است. حتماً با خاک درسدن، خروارها خاکه استخوان آدمیزاد آمیخته است.

من با یکی از رفقای زمان جنگم، به اسم برنارد وی. اوهار^۴ همسفر بودم. توی درسدن با یک راننده تاکسی رفیق شدیم. راننده ما را به همان سلاخ خانه ای برد که در دوران اسارت، توی آن جسمان می کردند. اسم

1. Dresden

3. Dayton

2. Guggenheim

4. Bernard V. O'Hare

راننده گر هارد مولر^۱ بود و برایمان تعریف کرد که خودش هم مدتی اسیر آمریکاییها بوده است. از او درباره زندگی در یک رژیم کمونیستی سؤال کردیم. راننده گفت اولش خیلی ناجور بود، برای اینکه همه مجبور بودند یک عالمه کار کنند و غذا و مسکن هم به قدر کافی وجود نداشت. اما بعد اوضاع خیلی بهتر شد. راننده صاحب یک آپارتمان جمع و جور بود و دخترش هم درست و حسابی درس می خواند. مادرش، در جریان توفان آتش درسدن خاکستر شده بود. بله، رسم روزگار چنین است. بعداً موقع کریسمس، برای اوهار یک کارت پستال فرستاد. جمله های زیر را پشت آن نوشته بود.

«امیدوارم کریسمس و سال نو، به تو، خانواده ات و دوست خوش بگذرد. و اگر شانس یاری کند، امیدوارم بار دیگر در جهانی آزاد و آکنده از صلح، توی تاکسی یکدیگر را ببینیم.»

من از عبارت «اگر شانس یاری کند» خیلی خوشم می آید. ابدأ خوش ندارم برایتان تعریف کنم این کتاب آشغال چقدر برایم خرج برداشته، چقدر برایم دردسر درست کرده است و چقدر وقت روی آن گذاشته ام. بیست و سه سال قبل که بعد از جنگ دوم جهانی به آمریکا برگشتم، خیال می کردم نوشتن درباره ویرانی درسدن کار آسانی است. پیش خودم فکر می کردم همین که گزارشی از مشاهداتم بدهم، کافی است. و چون مطلب مهم بود، فکر هم می کردم شاهکار از آب دربیاید، و یا حداقل، پول و پله حسابی به هم بزنم.

اما در آن موقع نتوانستم مطلب زیادی سرهم کنم، یا لاکل مطالب من برای نوشتن یک کتاب کافی نبود. ناگفته نماند، الان هم که خودم یک پا



KURT VONNEGUT JR.
SLAUGHTER HOUSE 5
TRANSLATED BY: A. A. BAHRAMI

کورت ونهگات در ۱۱ نوامبر ۱۹۲۲ در شهر ایندیانا پولیس در دوران بحران اقتصادی به دنیا آمده‌است، اما در آثار خود از کودکی شاد و پر نشاط سخن می‌گوید!...

در ماه دسامبر ۱۹۴۴ در جبهه‌ی جنگ اسیر نازی‌ها شد و در انباری زیرزمینی که محل نگهداری لاشه‌های گوشت بود، زندانی شد. در همان هنگام متفقین شهر درسدن را بمباران کردند که ۱۳۴,۰۰۰ کشته به جا گذاشت.

جان مایه‌ی اصلی آثار ونهگات، حمایت از ارزش‌های سنتی طبقه‌ی متوسط است. به کارگیری شگردهای ذهنی و فانتزی و نوستالژیک و طنز اجتماعی نیز در واقع برای حقانیت بخشیدن به همین امر است. در سال ۱۹۶۹ براساس خاطرات و مشاهداتش در درسدن کتاب «سلاخ‌خانه‌ی شماره‌ی ۵» را نوشت که هیاهوی بسیار برانگیخت و منتقدان درباره‌ی آن اظهارنظرهای گوناگونی کردند. به رغم نظرات موافق و مخالف، کتاب به سرعت فروش رفت و فیلم موفق هم براساس آن ساخته شد که نام ونهگات را بیش از پیش برسر زبان‌ها انداخت... ونهگات در این کتاب، ماجرا را از زاویه‌ی دید چندگانه روایت می‌کند که تنها بر تجارب شخصی او در درسدن متکی نیست. او معانی سمبلیک در درسدن را به تمامی بشریت تعمیم می‌دهد.

ISBN 964-6751-49-0



9789646751491



انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
Roshangaran
& Women Studies Publishing